An Analysis of the Duties and Powers of the Prosecutor in Preservation and Expansion of Judicial Security with a Comparative Approach in Iranian and French Law)

Mehran Vafadust Sabzevar
PhD student in the Department of Law, Criminal Law and Criminology, .Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran
mehran.vafadostsabzevar@iau.ac.ir

Hosseyn Fathabadi
Department of Law, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad U niversity, Mashhad B ranch, Mashhad, I ran. (corresponding (uthor
fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

Majid Shayganfard
Department of Law, Criminal Law and Criminology, Islamic Azad , University, Mashhad Branch, Mashhad Iran .
shayegan0446@mshdiau.ac.ir

Received: 2024-08-11 **Accepted: 2024-12-24**

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 8 | No. 27 | Summer 2025 (Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI: 10.22034/law.2024.2037837.1437

Abstract

One of the most important institutions for ensuring preservation and expansion of judicial security and fundamental freedoms in the laws of Iran and France is the office of the prosecutor, headed by the public prosecutor as the representative of society, one of whose most important missions, in line with his set of duties and powers, can be considered to be ensuring judicial security. Background and purpose: The purpose of the following article is to clarify the duties and powers of the prosecutor in Iranian and French law in a comparative environment in order to preserve and expand judicial security. Materials and Methods: The present study, which was developed using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question of what the duties and powers of the prosecutor in preservation and expansion of judicial security are in Iranian and French law. Ensuring judicial security is shaped around three axes: maintenance and expansion of judicial security, ensuring fair trial principles in order to ensure judicial security, and ensuring judicial justice.

Conclusion : Safeguarding the principle of the presumption of innocence, the principle of the right to remain silent, the principle of right to attend the arraignment hearing, the principle of the right to legal counsel, the principle of legality of mode of trial and nulla poena sine lege, the principle of non-publicity of certain trials, the principle of the judgment having to adhere to the law, the principle of recognizing the act as a crime in terms of law, the principle of non-retroactivity of the law, the principle of publicity of trials and the right to be heard are the most important principles for preservation and expansion of judicial security in Iranian and French law that have been discovered in this research and which in some cases judicial security has been undermined because some of them have not been given due consideration.

Keywords: Duties of the Prosecutor, Judicial Security, Principles of Trial, Fair Hearing, Judicial Justice

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

واکاویِ وظایف و اختیاراتِ دادستان در حفظ و گسترشِ اَمنیتِ قضایی(با رویکردِ تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

مهران وفادوست سبزوار دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایرانmehran. vafadostsabzevar@iau. ac. ir

حسین فتح آبادی گروه حقوق، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) Email:fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

مجید شایگان فرد گروه حقوق، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران Email:shayegan0446@mshdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۷ | تابستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2024.2037837.1437

چکیده

دادسرا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تأمین‌کننده امنیت قضایی و حفاظت از آزادی‌های اساسی در حقوق ایران و فرانسه، تحت ریاست دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم عمل می‌کند. در چارچوب وظایف و اختیارات دادستان، تأمین امنیت قضایی یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های وی محسوب می‌شود. هدف این مقاله، بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات دادستان در حقوق ایران و فرانسه و نقش آن‌ها در حفظ و گسترش امنیت قضایی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی محورهای اصلی تأمین امنیت قضایی شامل حفظ و گسترش امنیت قضایی، تضمین اصول دادرسی منصفانه و تضمین عدالت قضایی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصولی نظیر تضمین برائت، حق سکوت، تفهیم اتهام، داشتن وکیل، قانونی بودن دادرسی، غیرعلنی بودن دادرسی، مستند بودن حکم قاضی، جرم‌شناسی عمل از نظر قانون، عدم عطف به ما سبق قوانین، علنی بودن محاکمات و حق دادخواهی، از مهم‌ترین ابزارهای حفظ و گسترش امنیت قضایی در هر دو نظام حقوقی

هستند. با این حال، در برخی موارد، فقدان رعایت کامل برخی از این اصول موجب خدشه‌دار شدن امنیت قضایی شده است.

کلیدواژه‌ها: وظایف دادستان، امنیت قضایی، اصول دادرسی، دادخواهی منصفانه، عدالت قضایی.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

مقدمه[1]

دادستان در امور امنیت قضایي و حفظ آزادي‌هاي اساسي وظایف مختلف و گستردهاي دارد، از جمله وظیفه کشف جرم (وفق ماده ۲۲ قانون آیین دادرسي کیفري) از طریق گزارشات مأموران دولتي و شکایات مردمي، در حقیقت دادستان به عنوان مدعي العموم، به شکل یک پل ارتباطي بین دستگاه قضا و مردم عمل مي‌کند. در تأیید گفتهٔ پیشین در یک مصاحبه با یکی از دادستان‌ها در فرانسه در خصوص یک پرونده جنایی وی بعد از توضیح اعلام می‌کند: «من برای بررسی پرونده اختیارات گسترده ای دارم و سعی می کنم از این اختیارات برای مجازات و هدایت پرونده متهمین این پرونده استفاده کنم» Milburn, (2010 : 90) در قوانین مختلف از جمله بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسي،[2] براي دادستان کل کشور و به تبع آن دادستان‌هاي شهرستان‌ها وظایفي پیش‌بیني شده که اجراي آن‌ها در پیشگیري از وقوع جرم[3] نقش مؤثري دارد. در راستاي نقش دادستان در پیشگیري اولیه و ثانویه از وقوع جرم، وي با ریاست و نظارت مستمر بر همه‌ي امور دادسرا و اعمال ضابطین در زمینه پیشگیري از وقوع جرم و ارائهٔ راهکارهاي مناسب در این زمینه نقش بسزایي خواهد داشت و خطیرترین وظیفه‌ي دادستان در راستاي پیشگیري از وقوع جرم همان

---

[1] مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری اینجانب تحت عنوان: بررسی وظایف و اختیارت دادستان در نظام حقوقی ایران و فرانسه به راهنمایی استاد محترم دکتر حسین فتح آبادی میباشد

[2] اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ ـ رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲ ـ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳ ـ نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴ ـ کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵ ـ اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

[3] Prevention of crime.

حفظ نظم و امنیت عمومي جامعه است.موقعیت دادستاني در فرانسه بیش از هر چیزي، از طریق قانون اساسي سال ۱۹۵۸ و قانون آیین دادرسي کیفري فرانسه مشخص مي‌شود. (Leffler,1984 :246) دادستاني علي‌رغم اینکه مانند دادگستري، وظیفه صیانت از حقوق افراد را دارد، با وجود این داراي ساختاري سلسله مراتبي است و بسیاري از ضمانت هاي استقلال قضات براي آن شناسایي نشده است. این ساختار سلسله مراتبي براساس اصلاحاتي که در قانون آیین دادرسي کیفري در سال ۲۰۰۴ انجام شد، تقویت گردید. براساس قانون جدید، وزیر دادگستري سیاست هاي دولت در تعقیب جرایم را دنبال خواهد کرد. در فرانسه، اکثریت قریب به اتفاق پرونده های جنایی توسط پلیس تحت نظارت دادستان بررسی می شود. فقط در جدی ترین پرونده ها (جرایم) تحقیقات تحت اختیار قاضی تحقیق قرار می‌گیرد، هر چند که دادستان ممکن است موارد دیگر (پرونده‌های معمولاً پیچیده) را نیز ارجاع دهد. متهمان حق دارند در حین بازداشت و بازجویی پلیس موسوم به (garde a vue) از وکیل کمک بگیرند که در موارد عادی حداکثر ۴۸ ساعت و برای جرایم سازمان یافته و تروریسم تا ۹۶ ساعت طول می کشد. پس از پایان تحقیقات، دست‌اندرکاران تصمیم می گیرند که آیا و با چه جرمی پرونده را در دادگاه پیگیری کنند. کدام یک از طیف وسیعی از مراحل محاکمه را مورد استناد قرار دهند (اعتراف به گناه، محاکمه سریع و غیره)؛ آیا باید پرونده را به یک جایگزین برای تعقیب منصرف کرد یا خیر. ارسال آن به قاضی تحقیق[1] برای تحقیقات بیشتر؛ یا به سادگی آن را رد کنید. اگر تصمیم به تعقیب کیفری بگیرند، پرونده که توسط پلیس تنظیم شده و توسط بازرس بررسی می شود، به دادگاهی متشکل از (معمولاً سه) قاضی حرفه ای ارسال می شود، مگر در موارد جدی که هیئت منصفه غیرعادی نیز در آن شرکت می کند. بزه‌دیده و دادستان نیز می توانند ا زمتهم سوال بپرسند. مدعی العموم در نطق پایانی خود خواستار برائت یا محکومیت متهم و همچنین توصیه به صدور حکم می‌شود. (Aubusson de Cavarlay, 2006 : 61)

دادستان جزئي از وزارت دادگستري است و در رأس آن، وزیر دادگستري قرار دارد که آیین

[1] juge d'instruction

نامه ها و سیاست‌هاي كلي دولت در امور كيفري را (مانند اينكه كدام اعمال را بايد تعقيب كرد) وضع و اجرا مي كند. اين آيين نامه‌ها نمي توانند متضمن دستورالعمل‌هايي باشند كه مستقيماً براي دادستان هاي پايين مرتبه تر لازم الاجرا باشد. اين كار غالباً توسط مقامات ديگري مانند دادستان كل در دفتر استيناف انجام مي‌شود. دادستان ها توسط وزير(برخلاف قضات) قابل عزل هستند. وزير دادگستري عضو كابينه است و هيچ كاركرد يا وظيفه اي كه با دادستاني در ارتباط باشد ندارد. او در برابر مجلس هم مسئول است و سالانه گزارش هايي را براي آن درباره عملكرد دادستاني فراهم مي كند كه غالباً توسط دادستان هاي عالي بخش فراهم شده‌اند.پژوهش حاضر با هدف بررسی وظایف و اختیارات دادستان در حفظ و گسترش امنیت قضایی با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه و روشن نمودن نقاط تاریک بحث، پیش می‌رود.

۱- مفهوم دادستان با توجه به منافع حقوقی در حقوق ایران و فرانسه

دادستان یا مدعی‌العموم مقامی است که به منظور حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری مجرمان، مطابق قانون به وظایف خود عمل می‌کند(:2010 Barkow, 2096) و بر این اساس و تعریف پیش‌گفته دادستان به عنوان تأمین‌کننده امنیت‌قضایی شناخته می‌شود. در هر دادسرا، دادستان رئیس آن دادسرا محسوب شده و در اصول دادرسی کیفری، دادستان صلاحیت وکیل جامعه را داشته و جرایم را به نام جامعه تعقیب می‌کند. دادستان بر آرا و امور دادگاه‌هایی که در آنها مأموریت دارد نظارت می‌کند و از صحتِ قوانین و مقررات اطمینان می‌دهد. دادستان در هر دادگاهی که دخیل است باید از حق حمایت کند و طرفی را که حق می‌داند بر اساس مقتضیات قانون تقویت نموده؛ نکات حقوقی را به اصحاب دعوا و قضات دادگاه گوشزد کند تا از این طریق در اجرای صحیح قوانین مؤثر باشد. دادستان‌های عمومی در فرانسه در مرکز سیستم عدالت کیفری قرار دارند و تصمیم می‌گیرند که کدام پرونده‌ها وارد سیستم می‌شوند و بر نحوه رسیدگی به آنها، از تحقیقات جنایی تا صدور حکم، تأثیر می‌گذارند.(Renucci, 2004 : 51) پس به طور کلی می‌توان بیان داشت که دادستان یا مدعی العموم ، مقام قضائی است که به منظور حفظ حقوق عمومی و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات در مواردی که شاکی خصوصی

وجود نداشته باشد ولی موجب ضرر و زیان جامعه شده باشد از طرف مردم علیه مرتکبین جرم اقامهٔ دعوی می کند. به نوعی همچنین دادستان در موارد خاص که شامل رسیدگی به امور حقوقی اطفال، غیربزرگسالان، مجانین، مفقودین و اموال مانده از ترکه است، طبق قانون مداخله می‌کند. البته دادستان وظایف مهم دیگری هم دارد مانند اینکه دادستان هر شهرستان رئیس دادسرای آن شهر است و به عنوان نماینده جامعه جرایم را در دادرسی کیفری تعقیب می‌کند.

مدعی‌العموم باید طرفدار حق باشد و با اندیشه بلند و راهنمایی خردمندانه بزه‌دیده را تقویت کند که بنا به مقتضیات قانونی دچار آسیب شده و در هر کجا که لازم است تذکر نکات قانونی را برای اصحاب دعوا و قضات دادگاه در نظر بگیرد.(آخوندی، ۱۳۹۸: ۵۲) همچنین دادستان به عنوان رئیس دادسرا ریاست و نظارت ضابطین را برعهده دارد و می‌تواند ضمن آموزش لازم به آنها ها، برخی از تحقیقات مقدماتی ارجاع دهد. از آنجایی که اساساً شروع تحقیقات مقدماتی با ارجاع پرونده(اذن تعقیب) دادستان به بازپرس است همچنین در بعضی از موارد خاص که مأموران و مسئولان موظفند امور کیفری را زیر نظر بگیرند، وفق قانون موظفند مراتب را سریعاً به دادستان اطلاع دهند.در فرانسه دادستان صرفاً یک طرف دعوا محسوب می‌شود و در زمینه تحقیق از جرایم و اجرای احکام کیفری اختیاری ندارد. در کشور فرانسه، دادستان در شهرستان به نمایندگی از دادستان کل و با کمک دادیاران در دادگاه‌ها حضور دارد، دادستان کل فائق بر دادسراست؛ در دیوان این کشور، یک دادستان و ۱۷ دادیار حضور دارند و هر شعبه، یک رئیس و ۱۵ مستشار و ۳ دادیار و یک منشی شعبه دارد. در موارد اصراری، هیئت عمومی نیز جلساتی با حضور ۳۵ مستشار تحت ریاست رئیس شعبه اول و با شرکت دادستان کل تشکیل می‌دهد. (Guinchard and Buisson, 2012 : 45) به طور کلی از آنجا که دادستان در هر دو حقوق نوشته به عنوان مدعی العموم شناخته می شود، رسالت مهمی در راستای تضمین امنیت قضایی و تضمین اصول دادرسی منصفانه دارد و این موضوع با توجه به مقررات موجود در هر دو حقوق روشن است. بنابراین معنا و مفهوم امنیت قضایی در حقوق ایران و فرانسه آن است که افراد بتوانند در کوتاه ترین زمان ممکن به حقوق خود اعم از حقوق فردی یا اجتماعی

برسند و به اجرای عدالت دست یابند که این موضوع می‌تواند از طریق دادستانی نیز به حد مطلوب محقق گردد.(صفایی و درویش‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۰)

۲- حفظ و گسترش امنیت قضایی

یکی از وظایف بسیار مهم دادستان، حفظ و گسترش امنیت قضایی است. می‌توان عنوان داشت که اگر دادستان به عنوان نماینده جامعه و نظم عمومی فرض شود، جایگاه امنیّتی و اجرایی- اداری وی و اگر به عنوان نماینده عدالت و متضمّن حقوق شهروندی فرض شود، (Robert, 2011 : 40) جایگاه قضایی یا شبه‌قضایی وی در نظام عدالت کیفری پررنگ می‌شود و وجه آخر وی در حفظ و گسترش امنیت قضایی نقش دارد. در پاسخ به این پرسش که کدام یک از جایگاه‌های اداری یا قضایی برای دادستان مطلوب است، می‌توان چنین پاسخ داد که با توجّه به تقسیم وظایف در فرایند عدالت کیفری ضروری است دادستان جایگاه اداری داشته باشد؛ زیرا دادستان به طرفیّت از جامعه در فرایند عدالت کیفری سهیم است و از طرف جامعه با هدف تأمین نظم عمومی اقدام به اقامه دعوای عمومی می‌کند.(سجادی و افراسیابی ۱۳۹۳: ۶۵) از همین رو، به دلیل اینکه در فرایند عدالت کیفری طرف دعوای عمومی است و جایگاه قضایی مستلزم بی‌طرف بودن آن است، دادستان نمی‌تواند جایگاه قضایی داشته باشد. جایگاه دادستان در نظام عدالت کیفری، در نظام‌های حقوق عُرفی و نظام‌های حقوق رومی-ژرمنی (همچون حقوق فرانسه) متفاوت است، به گونه‌ای که در نظام‌های حقوق عُرفی نقش اجرایی دادستان پُررنگ‌تر است و دادستان بخشی از قوّهٔ مجریّه است و تلاش می‌شود استقلال عمل این نهاد در این قوّه حفظ شود.(Simmat,1994 :31) امّا در کشور فرانسه که از نظام رومی ژرمنی تبعیت می‌کند، بر حسب انتخاب کشورها ممکن است دادستان بخشی از قوّهٔ مجریّه یا قضائیه باشد. در تشکیلات دادگستری فرانسه، دادستان مقامی از وزارت دادگستری محسوب شده که دارای پایه قضایی است. (Lazerges, 2000 : 89)

۳- تضمین اصول دادرسی منصفانه در جهت تضمین امنیت قضایی

دومین وظیفه و اختیار دادستان در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی در نظام حقوقی

ایران و فرانسه تضمین اصول دادرسی منصفانه در جهت تضمین امنیت قضایی است که در ابعاد مختلفی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳-۱- تضمین اصل برائت

تضمین اصل برائت و بها دادن به آن یکی از وظایف و رسالت های بسیار مهم دادستان است که همواره در اسناد بین‌المللی نیز بدان توجه شده است. یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی که در راستای حمایت از متهمان وضع گردیده است، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به اصل برائت توجه ویژه‌ای نموده است.(ساقیان، ۱۳۹۳: ۹۰) اصل برائت کیفری با فرض بیگناهی برای اولین بار به صورت صریح و روشن در ماده ۹ اعلامیهٔ حقوق بشر فرانسه به سال ۱۷۸۹ مورد اشاره قرار گرفت. اما به طور رسمی، در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر[۱] که در سال ۱۹۴۸ مصوب گردیده مورد پیش بینی قرار گرفته و مطابق این مقرره هر شخصی که متهم شده می‌بایست در قالب تضمین‌های دادرسی منصفانه، بزهکاری متهم اثبات گردد. این موضوع مستلزم تفهیم درست و قانونی اتهام است در غیر این صورت اصل برائت نقض نمی‌شود. در این راستا در دعوای «ایکس علیه آلمان فدرال» در دسامبر ۱۹۷۸ دیوان بیان داشته است که بر اساس بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر فرد دستگیر شده باید به طور مناسب از دلایلی که به موجب آن دستگیر شده است فوراً مطلع گردد. خصوصاً که او می بایست قادر باشد که اتهام وارده را قبول یا رد نماید. همچنین در دعوای «سعدی علیه بریتانیا»،[۲] دیوان تأخیر ۷۶ ساعته را در اطلاع و آگاهی از موضوع اتهام به خواهان از سوی دادگاه انگلستان با اقتضای به موقع بودن ارائه موضوع اتهام خلاف و مغایر با اهداف کنوانسیون دانست همچنین این دیوان در پرونده «فاکس و دیگران علیه انگلستان» بیان میدارد که بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اظهار داشته است که فرد دستگیر شده باید سریعاً از دلایل دستگیری خود مطلع

---

[۱] هرکس متهم به ارتکاب جرمي باشد تا وقتي تقصير او طي محاکمه علني که در آن هر گونه تضمين ضروري براي دفاع تامين شده باشد قانونا به ثبوت نرسد ، بي گناه محسوب مي شود .

[2] Saadi v. The United Kingdom, Application no. 13229/03, Judgement 29 January 2008

شود. لذا از منظر دیوان تفهیم اتهام بدون فوت وقت باید انجام شود زیرا کسی که در معرض اتهام است باید بتواند آزادانه و بر مبنای اصل برائت از خود دفاع نماید. با توجه به این موضوع در پرونده «فلیشر و ساسی علیه فرانسه»[1] که دادگاه رسیدگی کننده، اتهامات علیه متهمان را بدون موکول کردن وقت رسیدگی به زمان دیگر محرمانه نگه داشته بود و بنابراین آنها فرصت آماده شدن برای دفاع پیدا نکردند، دیوان تصریح نمود که در این مورد باید به مضمون اطلاعات درباره توصیف فعل ارتکابی و ماهیت آن وصف حقوقی داده شود. هدف آماده شدن متهم برای دفاع از خود در مرجع قضایی است لذا باید به پذیرش دعوای متهمان اقدام نمود.

اصل برائت یکی از اصول مترقی در عرصه حقوق ملی و بین الملل است که دارای سابقه ای طولانی می باشد و امروزه مورد قبول همة نظام های آیین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. حقوق فرانسه نیز به اصل برائت بها داده است و در صورتی که اتهامی بر فردی وارد می گردد می‌بایست از طریق مبادی قانونی و قضایی به اثبات رسد به طوری که چنانچه عنوان گردید در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدان اشاره گردیده و حقوق فرانسه نیز این موضوع را مورد پذیرش قرار داده است. در حقوق داخلی ایران، مقررات مختلفی در مورد اصل برائت وجود دارد که از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی است که به این موضوع اشاره داشته و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به صراحت در ماده ی ۴ به اصل برائت توجه داشته است.[2] با تدقیق در مقررات موجود می‌توان عنوان نمود که اصل برائت به عنوان تضمین کننده دادرسی منصفانه توسط دادستان نیز انجام می‌گیرد. از منظر رویهٔ قضایی در حقوق ایران وفق دادنامهٔ ۱۴۰۰۳۶۵۴۹۸۷۱۲۵۶۳ صادره از یکی از شعب دادگاه کیفری دو استان تهران که صرفاً

[1] Phelissier and Sassi V. France, Application no. 25444/94, Judgement 25 March 1999.

[2]. ماده ٤ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

بر اساس گزارش ضابطان دادگستری کیفرخواست با اتهام تمرد نسبت به مأمورین دولت صادر شده بود دادگاه چون گزارش دهنده را ذی نفع در پرونده دانسته و ادله دیگری یافت نکرده بر اساس حاکمیت اصل برائت، وی را از اتهام انتسابی تبرئه نمود.

۲-۳- تضمین اصل سکوت

یکي از حقوق ابتدایی و حقوق بشری هر متهم که به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی منصفانه نیز شناخته می‌شود حق سکوت[1] است که همواره در اسناد بین‌المللی و منطقه-ای و قوانین کیفری نوین ایران مورد توجه قرار گرفته است و این اصل نیز می‌تواند توسط شخص دادستان تضمین گردد. این موضوع به این مفهوم است که

متهم بر اساسِ اصل مذکور این حق و اجازه را دارد تا پاسخ سؤالاتِ مقام قضایي (اعم از دادستان، بازپرس، دادیار، دادرس و...) را نداده و سکوت اختیار کند. در این وضعیت مقام قضایي حق ندارد متهم را به هر طریقی مجبور به پاسخگویي نماید، بلکه صرفاً مکلف است مراتب سکوت متهم را در صورت مجلس بازجویی قید نموده و براي کشف حقیقت[2] به سراغ دیگر ادله برود. آزادی و اختیار متهم در ارائه اظهارات به مقام تعقیب و ممنوعیت اخذ اقرار با توسل به شکنجه یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه است و بر این اساس حق عدم پاسخگویی به سئوالات مقام تحقیق طبق مقررات عنوان حق سکوت از حقوق اساسی متهم در تمامی مراحل دادرسی به شمار می‌رود. در تمام نظام های کیفری دنیا پذیرفته شده است.(عمرانی فر و همکاران ، ۱۳۹۹: ۱۶۵). بر این اساس متهم اجباری در اعتراف به ارتکاب جرم ندارد و مي‌تواند سکوت اختیار نموده و بدون این که سکوت وي به منزله اعتراف و یا قرینه‌اي بر مجرم بودن وی تلقي شود این حق برای او متصور است تا سکوت کند. در حقوق فرانسه ضمن محترم شمردن حق سکوت و رعایت آن به عنوان یک اصل در کلیه مراحل دادرسی، حق مذکور را در پاسخ به سؤالات مشروع یا نامشروع می‌دانند و باور بر این است که برخی از سؤالات نه تنها نامشروع است، بلکه هدف از پیشنهاد آنها رسیدن

[1] Right to silence.

[2] Discover the truth.

به حقیقت نبوده، بلکه فشار بر متهم برای اعتراف و تحت فشار قرار دادن او می‌باشد (Danilet, 2000 : 145).خصیصه‌های سؤالات نامشروع و غیرقانوني عبارت است از این‌که الف) سؤالات در ارتباط با موضوع اتهام نیست. منظور از سؤالات پراکنده و غیرمرتبط با موضوع اتهام، سؤالاتي می‌باشد که پاسخ دادن به آنها هیچ تأثیر مثبت در روند رسیدگی و کشف حقیقت و در نهایت اتهام وارده ندارد(Friman, 2001 : 87). مانند این که در پرونده‌اي که اتهام آن سرقت است از متهم در مورد شرب خمر سؤال گردد. ب) سؤالاتي راجع به گذشته متهم که بي‌ارتباط با موضوع اتهام است. مانند این که از يك روزنامه‌نگار که متهم به جرایم مطبوعاتي است سوال گردد که آیا این لحظه با کسي رابطه نامشروع داشته‌اید یا خیر؟ ج) سؤالات القایي یا تلقیني باشد با این توضیح که مثلاً از متهم به سرقتي که سرقت را قبول ندارد سوال گردد که مال مسروقه را به چه کسي فروخته است؟ د) سؤالاتِ بازجویی به قصد فریب متهم پرسیده شود. مانند این که بازجو به شخص متهم اعلام نماید که اگر موضوع اتهام را بپذیرد یا پاسخ این سؤال را مطابق میل وی بدهد در مجازات او تخفیف داده شده و یا موجبات آزادی وی فراهم مي‌شود که متأسفانه این مورد در رسانه‌هاي جمعي نیز به اشتباه و ناروا مطرح می‌گردد. البته لازم به ذکر است، تحقیقات و دلایلی که از طرق غیرقانونی به دست آمده باطل و نامشروع است و در صورتی که قاضی دادگاه آن را مبنای صدور رأی قرار دهد، این رأی در مرحله تجدیدنظر و در مراجع بالاتر قابل نقض است. همچنین در تضمین حق سکوت متهم و خودداری از پاسخگویی به سؤالات، اکثر نظام‌های حقوقی استفاده از زور و شکنجه را برای اخذ اقرار یا شهادت یا سوگند منع کرده و چنین اظهاراتی را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کرده اند.لازم به ذکر است که این اصل در ماده ی ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی گردیده است.[۱] همچنین در اسناد بین‌المللی به حق سکوت متهم اشاره ی صریح شده است. از جمله بند سوم ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است که مقرر نموده است: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل از حداقل حقوق تضمین شده ی زیر برخوردار

[۱]. ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲« متهم می تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می شود».

گردد: ... بند (ز): مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد یا به مجرم بودن اعتراف نماید». همچنین بند دوم ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ از دولت های عضو درخواست کرده است که در تضمین حق دفاع متهمان کودک در مراجع قضایی به این موضوع توجه نمایند. حق مزبور در اساسنامه ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز پیش بینی شده است.(Calvo, 2006 : 145) در قسمت دوم بند دوم ماده ۵۵ و نیز در قسمت هفتم ماده ۶۷ در عباراتی مشابه ماده ی قبل مقرر می نماید «... می‌تواند سکوت اختیار نماید، بدون اینکه سکوت وی به منزله‌ی اعتراف و یا انکار محسوب شود». به طور کلی حق سکوت در حیطه ی حقوق ایران و بین الملل از جایگاه ویژه ای برخوردار است و به عنوان یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه به شمار می‌آید. ضرورت بحث در آن است که اعطای حق و اصل سکوت به متهم از سوی دادستان از یک جهت می‌تواند منافع جامعه را در راستای سهولت کشف و تعقیب جرم و مجرم با خطر مواجه نماید و از جهاتی نیز، عدم رعایت آن باعث تحدید حقوق مسلم متهمان می گردد و در فرایند تحقیقات و دادرسی منصفانه تأثیر دارد. بنابراین اصل و حق سکوت اختیاری متهم، برای متهمی که عقیده به داشتن چنین حقی دارد، از اصول روشن و واضح است؛ ولیکن الزام قانونی و مشروع مقامات تعقیب، تحقیق و رسیدگی همچون دادیاران، بازپرسان، دادرسان و دادستان با توجه به قواعد و اصول حقوق بشری و مقررات نوین از مؤلفه های اصل برائت است که امروزه با توجه به تحولات قانون‌گذاری مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است که این موضوع، اهمیت اصل سکوت را می رساند.(عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۰)

نمی‌توان گفت که متهم بی گناه چیزی برای پنهان کردن ندارد یا دلیلی برای ترس ندارد. زیرا، هر متهمی هر چند بی گناه ممکن است بخواهد چیزی را پنهان کند. برای مثال، ممکن است اطلاعاتی را که احتمالاً دیگران علیه وی مورد استفاده قرار می‌دهند، پنهان کند یا ترس آن را داشته باشد که در صورت بیان حقیقت، از طرف دیگران در معرض آسیب قرار گیرد یاحتی ممکن است از روی سادگی مطالبی را اظهار کند که نوعی اقرار به ارتکاب جرم انگاشته شود. بنابراین، هر شخصی با ملاحظه‌ی اوضاع و احوال مربوط به‌خود تصمیم می‌گیرد. متهم با سکوت خود همه ی تکلیف اثبات را بر عهده‌ی دادستان قرار می‌دهد.

(Alfredsson and Eide, 1999 : 45) اساساً، تکلیف اثبات همه ی رکن های تشکیل دهنده ی جرم بر عهده ی دادستان است و متهم الزامی به اثبات چیزی ندارد. از این رو می‌توان گفت در مواردی که تکلیف اثبات وارونه می شود، حق سکوت متهم در معرض خطر قرار می‌گیرد. نمونه ی این موارد را می‌توان در فرض های قانونی مربوط به مفروض دانستن رکن مادی یا روانی از طرف قانون گذار مشاهده **کرد**.(شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۲)

درباره اینکه آیا دادستان می‌تواند صِرفِ سکوت متهم را دلیل یا قرینه ای بر بزهکاری وی در جرایم واجد جنبه حق الله دانست، باید گفت چون اولاً، در جرایم واجد جنبه حق الله، ادله اثبات جرم احصا شده اند و سکوت در عداد دلایل مزبور قرار نگرفته است، قابلیت اثبات متهم را ندارد؛ ثانیاً، به لحاظ آنکه در جرایم واجد جنبه حق الله، بنای شارع مقدس بر آن است که این جرایم در حد امکان مستور بماند و ثابت نشوند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قاضی حق ندارد سکوت متهم در چنین جرایمی را علیه او تفسیر کند و به عنوان دلیل یا حتی قرینه ای بر مجرمیت وی قلمداد کند. تنها نکته ای که باقی می ماند اینکه آیا می‌توان علم قاضی به ارتکاب‌جرم را که از سکوت متهم ناشی شده است،معتبردانست و بر اساس‌آن حکم به محکومیت متهم داد؟ در این جا دو فرض متصور است: اول اینکه علم قاضی فقط از سکوت متهم ناشی شود؛ دوم اینکه علم قاضی از امارت ظنی به ضمیمه سکوت متهم ناشی شود. ظاهراً با توجه به اینکه متهم اجبار به پاسخگویی ندارد، نمی‌توان علم ناشی از سکوت متهم مستقلاً را معتبر دانست. به تعبیر دیگر ظاهراً می‌توان با توجه به اصل مشروعیت تحصیل دلیل، چنین علمی را معتبر ندانست، حتی در جایی که سکوت متهم به ضمیمه امارات ظنیه باعث علم قاضی شده است؛ زیرا هر دو جزء (امارات ظنیه)، وبه تنهایی حجیت ندارد و به تعبیر منطقی ها چون نتیجه تابع اخص مقدمات است و هر کدام از اجزاء اعتبار شرعی ندارند، در نتیجه علم ناشی از آن نیز اعتبار ندارد؛ چنان که اگر علم قاضی از سه بار اقرار به زنا حاصل شود نیز اعتبار ندارد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۵۹).

در فرانسه، طبق ماده ۱۳-۶ قانون آیین دادرسی کیفری، در جلسات دادرسی، فردی که توسط پلیس بازداشت می‌شود، حق دارد به سؤالاتی که از وی پرسیده می‌شود پاسخ دهد

یا سکوت کند. حق سکوت که برای مدت طولانی توسط دادگاه حقوق بشر اروپا بر اساس ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (رای ۲۵ فوریه ۱۹۹۳) به رسمیت شناخته شده بود، به شخص مورد بازجویی اجازه میدهد تا در فرایند اتهاماتی که به وی وارد می‌شود، مشارکت نکند. .(Jorg and Brants, 2012 : 91)

به عنوان مثال می‌توان به پروندۀ شخصی به نام آقای واو مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۲ اشاره کرد که توسط انجمن‌های جنایتکارانه و جرایم علیه قوانین سلاح، به عنوان مجرم شناخته شد و در بازداشت موقت قرار گرفت. با دستور ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳ قاضیِ دادگاه آزادی‌ها و بازداشت ، حکم بازداشت موقت را تمدید کرد و شعبۀ بازرسی نیز آن را تأیید نمود. شخص درخواست تجدید نظر کرد که یکی از دفاعیات او برای نقض بازداشت استناد به عدم اطلاع‌رسانی قاضی به متهم دربارۀ برخورداری وی از حق سکوت بود با این حال اتاق کیفری دیوان عالی کشور فرانسه در کنار سایر دفاعیات و توضیح د رارابطه با حق سکوت حکم را نقض می‌کند.(Miraglia, 2008 : 99)

۳-۳-تضمین اصل تفهیم اتهام

تفهیم اتهام به معنای آگاهی متهم از ماهیت و سبب اتهام، امروزه یکی از حقوق بنیادینی محسوب می‌شود که در اسناد بین‌المللی ازجمله قسمت الف از بند ۴ ماده ۹۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز قسمت الف از بند ۴ ماده ۶ کنواسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. در برابر این حق، تکلیف مقام قضائی به تفهیم اتهام شناسایی شده است.(آشوری و دیگران، ۱۳۹۶ : ۱۲). الزام به تفهیم اتهام از آنجا ناشی می شود که یکی از ضمانت های حقوق دفاعی متهم در ابتدایی ترین مرحله دادرسی کیفری، حق اطلاع از اتهام و دلایل توجه به آن است.(Pradel, 2001 : 83). تفهیم اتهام و عنوان جرم و ماهیت و دلایل توجه اتهام به متهم و مواد قانونی(عنصر قانونی) ناظر به آن از جمله حقوقی است که باید در اسرع وقت و پس از بازداشت و حضور متهم در مرجع قضایی انجام گیرد.(امیری و روح الامینی، ۱۳۹۶: ۸۹) اصل تفهیم اتهام در ماده‌ی ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان گردیده است. مطابق ماده مذکور: « متهم باید در اسرع وقت، از موضوع

و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.»

۴-۳-تضمین اصل داشتن وکیل

می‌توان پس از اصل برائت، اصل حق داشتن وکیل را یکی از ضروری ترین اصول دادرسی منصفانه نام برد و حق داشتن وکیل برای اشخاص را یکی از ضروریات شمرد که می‌تواند توسط دادستان تضمین گردد. در برخی از سیستم های آیین دادرسی کیفری، مقام قضایی مکلف است به متهم اعلام کند که حق دارد وکیلی را همراه خود داشته باشد اما در آیین دادرسی کیفری ایران چنین تکلیفی در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی اصلاً وجود ندارد و در مرحله‌ی دادرسی هم برای جرایم خاص پیش بینی شده است. در عین حال متهم مجاز است در هر دو مرحله وکیل انتخاب کند هرچند در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، محدودیت هایی وجود دارد. (زراعت، ۱۳۹۲: ۷۵) اصل فوق را از مستندات قانونی همچون اصل ۳۵ قانون اساسی،[۱] ماده‌ی واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰،[۲] ماده‌ی ۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،[۳] را می‌توان در خصوص حق وکیل استنباط نمود.

---

[۱]. اصل ۳۵ قانون اساسی:«در همه ی دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

[۲]. ماده ی واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰:« اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه هائی که به موجب قانون تشکیل می شوند مکلف به پذیرش وکیل می باشند. تبصره ۱- اصحاب دعوا در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می کند تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد. تبصره ۲- هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور ، محکمه ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد. تبصره ۳- وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا ، برخوردار می باشد».

[۳]. ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: « متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود».

در حقوق فرانسه برای برقراری توازن در حقوق دفاعی همهٔ طرف‌های دعوا وفق قانون ۲۲ مارس ۱۹۲۱، حق داشتن وکیل مدافع در این مرحله را به بزه‌دیدگان در مادهٔ ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز تسری داد. در پروندهٔ «ژان» وقتی قاضی متهم را در جرم سرقت همراه با تجاوز از حضور وکیل محروم نمود، در پی اعتراض متهم، ضمن پذیرش دادگاه عالی، در این خصوص اعلام نمود: « اصحاب دعوا فقط می‌توانند در حضور وکلای خود یا وکلای تسخیری، استماع، بازجویی یا مواجهه شوند، مگر از حق حضور وکلای خود صراحتاً چشم پوشی کنند.» (Guinchard, 2012 : 78)

در نمونه دعوی مطروحه در کشور فرانسه، دیوان تمیز فرانسه (دیوان عالی کشور) حق استفاده از وکیل را در جریان فرجام خواهی به متهمی که در جریان رسیدگی حاضر نشده بود، اعطا ننمود. دیوان اروپایی چنین ضمانت اجرایی را سنگین و نامتناسب با عمل عدم حضور در زمان مقرر در دادگاه، و مخالف با حق دفاع مؤثر دانست و رأی به محکومیت فرانسه داد. از نظر آقای پوتیتی این رأی و شناسایی ضمنی حق حضور یا عدم حضور متهم در زمان دلخواه وی موجبات تضعیف دادگستری و به تبع آن حکومت را در اعمال نظم فراهم خواهد نمود. البته به نظر می‌رسد می‌توان ضمانت اجرای مناسب تری را در عدم رعایت مقررات آیین دادرسی از سوی متهم با حفظ حق دفاع وی پیش بینی نمود. (Buergenthal, 2001 : 350)

۵-۳-تضمین اصل قانونی بودن دادرسی، جرایم و مجازات‌ها

مهمترین موضوع در راستای تضمین دادرسی منصفانه در فرایند عدالت قضایی از سوی دادستان و در راستای امنیت قضایی در حقوق ایران و فرانسه، قانونی بودن دادرسی، جرایم و مجازات‌هاست که در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون جزای فرانسه، اصل مذکور به عنوان با ارزش ترین اصل شناخته شده است. مونتسکیو دانشمند فرانسوی معتقد بود که اولاً؛ باید بین اعمال ارتکابی و مجازات آنها تناسب وجود داشته باشد، ثانیاً؛ اعمال ضد اجتماعی و مجازات آنها برای عموم مردم شناخته شود، ثالثاً؛ اجرای عدالت باید تحت قانون باشد. قوانین و مقررات صحیح این باورها و حرکت دانشمندان با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به اجرا درآمد و برای اولین بار قانون‌گذار فرانسه در ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر

آن را تصویب کرد و این اصل از آنجا به کشورهای دیگر سرایت کرد. اعلام این اصل تأثیر گسترده ای در کل جهان داشت و به عنوان یک اصل غیرقابل تردید چه در قانون جزا و چه در قوانین اساسی کشورهای مسلط پذیرفته شد. بر اساس این اصل، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. (Gerry, 2017 : 87) در موارد مختلف خود بیشتر به تجزیه این اصل پرداخت. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در در فقه و حقوق ایران، در قواعد فقهی با عنوان قاعدهٔ قبح عقاب بلا بیان عنوان شده است. اصل قانونی بودن به منظور قانونمند کردن جرایم و مجازات ها پیش بینی شده و از این جهت در ادوار مختلف تقنینی همواره در مورد آن، مواد مختلفی نگاشته شده‌است که از جمله ی آنها می‌توان به ماده ی ۲ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ی ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که اهمیت این اصل را صحّه نهاده است و با توجه به این موضوع دادستان به عنوان مقام قضایی بالا در دادسرا وظیفه تأمین آن را بر عهده دارد؛ هر چند که در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها تأکید شده، ولیکن بررسی مبنا و ماهیت این اصل، مبیّن اهمیّت این حدیث می باشد که: «مجازات نکردن اشخاص بهتر از مجازات کردن آن بدون دلیل است» می باشد.(عمرانی فر و زندی، ۱۳۹۶: ۴۵)

با توجه به این موضوع می‌توان بیان نمود که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها نه تنها ریشه ی فقهی و حقوقی دارد، بلکه در ادوار مختلف، همچون عصر باستان نیز بر قانونی بودن جرایم و مجازات ها و دادرسی کیفری تأکید شده است. علی‌هذا ارتباط این اصل با قاعده‌ی تفسیر مضیق قوانین جزایی و عطف به ماسبق نشدن مقررات جزایی نیز پوشیده نیست، بلکه با این قواعد نیز ارتباط مستقیمی دارد.

یکی از جلوه‌های اصل قانونی بودن در مفهوم عام را می‌توان تحصیل ادله به طرق قانونی دانست. در خصوص لزوم قانونی بودن تحصیل دلیل توسط ضابطان دادگستری می توان به دادنامه شماره ۹۸۹۹۷۲۲۱۴۵۰۰۰۶۴ مورخ ۲۸/۱/۱۳۹۷ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری رودهن اشاره کرد که ادله به دست آمده از طریق غیر قانونی را فاقد اعتبار دانسته است. از لحاظ بررسی تطبیقی، دادگاه اروپایی حقوق بشر به درستی در یکی از پرونده‌های خود

مقرر کرده که تعقیب افرادی که بر اساس تحریک مقامات قانونی مرتکب جرم شده‌اند، مغایر با حاکمیت قانون است.

۶-۳- حقّ دادخواهی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ی ۱۴ به طور روشن حق دادخواهی را در پرتو اصول دادرسی عادلانه که از آثار اصل برائت است، ترسیم نموده است. همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند و هر کس حق دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل بی طرف طبق قانون رسیدگی شود. همچنین در ماده ۱۰ این اعلامیه نیز اعلام شده «هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بی طرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند».(Pradel, 1995: 81) در مادۀ ۳۱ کد آیین دادرسی مدنی حق دادخواهی برای شخص ذینفع پیش بینی شده است[1] و در این راستا دادستان وظیفه دارد که به شخص ذینفع حق دادخواهی دهد.

با وجود اهمیت زیاد حق دادخواهی در تضمین و حراست از سایر حقوق و آزادی های شهروندان، گاهی اوقات ممکن است خود این حق از جهات مختلفی در معرض تحدید و تضییق و سلب قرار گیرد و بدین ترتیب مسیر احقاق حقوق افراد خدشه دار شود. بنابراین، همچنان که این حق در حراست از حقوق و آزادی های افراد اهمیت وافری دارد، صیانت از خود این حق نیز دو چندان واجد اهمیت است. در همین زمینه، شورای نگهبان در مقام صیانت از موازین اسلامی و قانون اساسی در برابر مصوبات مجلس شورای اسلامی (موضوع اصل۹۰ قانون اساسی)، مصوبات متعددی از مجلس را مغایر اصل۴۰ قانون اساسی تشخیص داده و بدین ترتیب در مقام حمایت از مردم و صیانت از این حق مسلم برآمده است. بنابراین، بررسی این مطلب که چه موضوعاتی می‌تواند حق دادخواهی افراد را محدود یا سلب کند، از مسائل نیازمند تأمل و بررسی است که علاوه بر اهمیت نظری استخراج محدودیت های مغایر با حق دادخواهی، بیان رویه شورای نگهبان می‌تواند

[1] .L inté re t est la mesure de l action.

قانون‌گذار عادی را با تضمینات مدنظر شورای نگهبان در صیانت از حق دادخواهی افراد آشنا کند و از این طریق از وضع مصوبات مغایر با قانون اساسی که سبب اطاله روند قانون‌گذاری می شود، پیشگیری به عمل آورد.(درویشوند و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲)

۳-۷- اصل مستند بودن حکم قاضی

بند دوم ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در راستای اصل مستند و مستدل بودن حکم و قرار بیان می دارد: «محکومیت ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (درصورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تأمین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود». اکنون در مقررات ایران نیز به صراحت از بی طرفی در دادرسی سخن رفته است و ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند». به طور کلی دادستان بر اساس اصل مستند بودن قرارها، وظیفه دارد بر اساس موازین قانونی اقدام به صدور قرار نماید و این موضوع تضمین کننده امنیت قضایی است.

در حقوق فرانسه شورای عالی دولتی بر این عقیده است که رعایت اسباب موجهه و جهات رأی از جمله مقررات شکلی و آمره است که صرفاً اگر دارای پشتوانه قانونی باشد دادگاه ملزم به تبعیت از آن است.(خدابخشی، ۱۳۹۳: ۵۱).

۳-۸- اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون

دادستان نمی‌تواند متهم را بدون نص قانونی مجرم شناخته و مجازات نماید و این موضوع برگرفته از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست که در مباحث بالا شرح آن گذشت. اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون همان اصل قانونی بودن جرایم است که به

معنای قانونی بودن تمام عناصر و ارکان یک جرم می باشد؛ برای مثال اگر بزه خیانت در امانت را در نظر بگیریم، می بایست عنصر قانونی آن یعنی ماده ی ۶۷۴ قانون مجازات های تعزیری مصوب ۱۳۷۵ و عنصر مادی آن یعنی سپردن و تمام شرایط و اوضاع و احوال آن می بایست وجود داشته باشد و همچنین عنصر معنوی آن نیز مخدوش نباشد، تا اینکه اصل قانونی بودن جرایم محرز گردد. در خصوص مفهوم اصل قانونی بودن جرایم، هیچ یک از مؤلفان حقوقی به تنهایی به ارائه ی مفهوم آن نپرداخته اند و معمول در کتابها و مقالات و رساله‌ها و... آن است که اصل قانونی بودن جرم و مجازات در کنار یکدیگر تعریف شوند. اصل قانونی بودن جرم و مجازات یعنی هیچ عملی جرم نیست و هیچ مجازاتی قابل اعمال نیست، مگر آنکه قبلاً به وسیله قانون‌گذار عنوان مجرمانه و مجازات آن تعیین و اعلام شده باشد. بر این اساس لازم است مقنن لیست جرایم و میزان مجازات های آن ها را به صورت قانون تدوین و پس از طی مراحل قانون‌گذاری به مردم اعلام کند. در نتیجه قاضی کیفری نمی‌تواند بدون وجود نصوص قانونی اعمال افراد را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کند و نیز نمی‌تواند مجازاتی غیر از آنچه مقنن تجویز کرده است، اعمال نماید. (حبیب زاده، ۱۳۹۱: ۴۵)در این صورت محروم کردن افراد از حقوق اجتماعی، خواه به صورت کلی یا جزیی برخلاف اصل قانونی بودن مجازات خواهد بود. (نوروزی فیروز، ۱۳۹۰: ۹۴). قاضی باید همان مجازاتی را تعیین کند که در متن قانونی بدان تصریح شده است. ممکن است قانون‌گذار غفلت کند و عملی را به عنوان جرم توصیف نماید ولی مجازات آن را به دست ندهد؛ در این صورت قاضی حق ندارد از طریق قیاس مجازات عمل مزبور را معلوم کند؛ ممکن است قانون در مقام تعیین مجازات جرمی به جرم دیگر رجوع نماید. بنابراین می‌توان بیان داشت که، فعل یا ترک فعلی را می‌توان جرم دانست که در قانون جرم شناخته شده است و مجازاتی را می‌توان بر مجرم اعمال نمود که قانون‌گذار آن را وضع کرده باشد و قاضی نمی‌تواند بدون وجود نص قانونی با عبارتی به دلیل فقدان عنصر قانونی دیگران را مجازات نماید.(نیازپور، ۱۳۹۲: ۵۶)

۹-۳- اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین

قاعده عطف به‌ماسبق نشدن در خصوص متهمان، نتیجه ضروری اصل قانونی بودن جرایم

و مجازات هاست و بنابراین تاریخ آن نیز در اروپا مانند اصل فوق با انقلاب فرانسه شروع می‌شود، هر چند که در قرون وسطی متن‌های تفسیر شده ای از روم قدیم در این مورد وجود دارد. این قاعده امروز در اکثر کشورها پذیرفته شده است. قاعده «عطف به ما سبق» نشدن قوانین کیفری مربوط به آن دسته قوانینی است که جرم و مجازات را تعیین می‌کند و بنابراین، قوانین مربوط به نحوه تشکیل دادگاه و رسیدگی به جرایم را شامل نمی‌شود. به عبارت دیگر، هنگامی که مطابق قانون دادگاهی تشکیل، یا شیوه خاصی برای ثبت شکایت و ارائه دلایل مقرر شود آن‌گاه شیوه رسیدگی دادسرا و دادگاه به جرم تعیین می‌شود و تا زمانی که قانون پا برجاست این اصول و شیوه‌ها نیز به قوت خود باقی است و به طور کلی این اصل در خصوص قرارهای دادستان نیز جاری می باشد و هر آنچه که بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها حاکم است بر اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین نیز جاری است.(عباسی و جمشیدی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)

۱۰-۳- اصل علنی و غیرعلنی بودن محاکمات

مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محاکمه‌ها باید علنی برگزار شود و در اصل ۱۰۸ قانون اساسی رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیئت منصفه است. اصل غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی که در دادسرا و توسط دادستان انجام می‌گیرد نیز یکی از ویژگی های سیستم دادرسی تفتیشی می باشد که امروزه به عنوان یکی از اصول اساسی تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. از جمله محاسن این اصل آن است که چون متهم در این مرحله فقط در معرض اتهام می باشد و هنوز جرم او به اثبات نرسیده است بنابراین چنانچه برائت حاصل کند آبرویش حفظ می شود،(خوبیاری، ۱۴۰۳: ۱۳۰). همچنین دادستان تحت تأثیر افکار عمومی یا اعمال نفوذ های ناروا و قضاوت های عجولانه جراید قرار نمی‌گیرد و با آسایش فکری بیشتری به تحقیقات می پردازد. اما از جمله معایب این اصل نیز آن است که دادستان بدون واهمه از نظارت دیگران و به خصوص در سیستم هایی که دخالت وکیل در مرحله ی مقدماتی را ممنوع کرده اند ممکن است تخلفاتی را مرتکب شود که با حقوق دفاعی متهم تعارض داشته باشد. اما به هرحال قانون‌گذاران و از جمله قانون‌گذار ایران، محاسن این اصل را بر

معایب آن ترجیح داده و آن را جزء اصول اساسی تحقیقات مقدماتی قرار داده اند. (زراعت، پیشین: ۱۵۷).

قسمت اخیر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مقرر میدارد که دادگاه می‌تواند در موارد استثنایی رسیدگی را غیرعلنی اعلام کند. در پروندهٔ «رومر» وقتی وی از حکم صادره به علت برگذاری غیرعلنی به پرونده‌اش درخواست استیناف کرد دادگاه اگر چه ضمناً به این موضوع استناد کرد که برگذاری غیرعلنی رسیدگی از موجبات نقض رأی است اما افزود: « نقض مقررات راجع به علنی بودن دادرسی باید توسط یکی از اصحاب دعوا به عنوان ایراد تا قبل از ختم مذاکرات مطرح شود تا به عنوان ایراد قابل بررسی باشد» (Fricero,2009 : 523).

۴- حقوق و آزادی های مدنی(اجتماعی)

آزادی‌های مدنی و یا آزادی های شخصی و اجتماعی، آزادی‌هایی می باشند که دادستان نمی‌تواند مطابق قانون یا تفسیر قضایی و بدون محاکمه آنها را سلب کند. هر چند دامنه این واژه در کشورهای مختلف، متفاوت است اما آزادی‌های مدنی مشمول آزادی اندیشه، آزادی دین، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات اعتراضی، آزادی بیان، حق امنیت، آزادی سخنرانی، حریم خصوصی، حق دادرسی برابر بر اساس قانون، حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه و حق زیستن است. آزادی‌های مدنی دیگری هم شامل حق مالکیت، حق دفاع از خود و حق مالکیت بر بدن خود می باشد که تضمین آن مطابق اهداف امنیت قضایی بر عهده دادستان نیز می باشد.(ساقیان، ۱۳۹۳: ۶۷).

برای نمونه می توان به پرونده کاپلند[1] اشاره کرد. در این پرونده تماس‌های خواهان که کارمند دانشگاه بود، بررسی و کنترل شده بود، دولت بر این عقیده بود که اقدام او در کنترل تماس‌های خواهان به‌منظور بررسی این موضوع بوده که آیا کارمند از امکانات دانشگاه و محل کار برای اهداف شخصی استفاده می‌کند یا خیر. این اقدام هرچند دخالت در حق بر حریم خصوصی است، دخالتی قابل توجیه است. به زعم دولت قبل از

[1]Copeland

هر چیز این اقدام دارای هدفی مشروع برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران بوده تا با بررسی و کنترل تضمین کند که از امکانات فراهم شده برای عموم سوء استفاده نشده است. سپس به این امر اشاره کرده که این دخالت به موجب قانونی قابل دسترس و قابل پیش بینی صورت گرفته است؛ که بحث آن در بند فوق ملاحظه شد. در نهایت این عمل در نظر دولت برای جامعه دموکراتیک ضروری بوده است. اما دیوان نظری متفاوت داشته و اقدامات مزبور را مطابق قانون و ضروری برای جامعه دموکراتیک ندانسته و اهدافی مشروع نیز برای آن نمی یابد و در نتیجه ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض شده قلمداد می‌کند.[1]

۵- تضمین عدالت قضایی

تضمین عدالت قضایی از سوی دادستان در حقوق ایران و فرانسه، مبتنی بر دو مؤلفه می باشد؛ اولاً عوامل تأثیرگذار شخصی و روانی دادستان و دیگری جنبه تقنینی که ضمانت اجرای تخلف از اصول فوق و همچنین راهکارهای پیشگیرانه را ارائه کرده است.(هاتفی اردکانی،و دیگران ۱۳۹۴: ۱۰). در حقوق فرانسه، جرایم علیه عدالت قضایی مورد جرم انگاری قرار گرفته که این موضوع در مواد ۱-۴۳۴ و ۳۰-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۹۹۲ به چشم می آید. اصول استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی از مهم ترین مبانی نیل به یک دادرسی عادلانه و تأمین حقوق شهروندان در جریان دادرسی و تضمین عدالت قضایی است که تنها از خلال آنها می‌توان به وجود قوه‌ی قضائیه و قضاتی عدالت پیشه و حق مدار امید داشت. این اصول در اکثریت قریب به اتفاق نظام های حقوقی داخلی جهان و نیز مقررات حقوق بین الملل، به ویژه مقررات خاصِ مربوط به عدالت گری شناخته شده است؛ اما برای نیل به استقلال کامل قوه ی قضائیه و قضات هر کشور و نیز بی طرفی آنان در هنگام احقاق حق به نظر می رسد نیازمند حصول شرایط و اصولی مبنایی و مقدماتی هستیم. بنا بر مطالعات انجام شده در مقررات بین‌المللی و نظام داخلی چندین کشور از جمله ایران و فرانسه اصولی همچون استقلال نهادی، استقلال فردی قضات، شیوه‌ی

[1] Case of Copland v. The United Kingdom, Application no. 62617/00, ECtHR, 2007, para. 32)

انتصاب قضات و شرایط استخدامی برای تحقق کامل دو اصل استقلال و بی طرفی مراجع قضایی می‌توان تعریف و تبیین کرد تا با اِعمال و رعایت آنها استقلال و بی طرفی مراجع قضایی در جهت حفظ و حمایت هرچه بیشتر از حقوق شهروندان و موجبات حق بر دادرسی عادلانه فراهم شود.(ویژه و محمدی کشکولی، ۱۳۹۷: ۲۵۱). به طور کلی تضمین عدالت قضایی از سوی دادستان، به عنوان مهمترین رسالت وی شناخته می شود که در راستای تضمین اصول دادرسی منصفانه امکان پذیر است.

نتیجه

دادستان به عنوان مدعی العموم نقش بسیار مهمی در راستای حفظ و گسترش امنیت قضایی در نظام حقوقی ایران و فرانسه دارد هر چند در شرایط و آثار تضمین امنیت قضایی در هر دو کشور تفاوت‌هایی دیده می‌شود اما مبنای تضمین امنیت قضایی که بر اساس تضمین اصول دادرسی منصفانه شکل می‌گیرد با توجه به پذیرش اسناد بین‌المللی در این راستا شباهت هایی دارند به طوری که در منشور ۱۲۱۵ بریتانیا و همچنین در اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر فرانسه به تضمینات حداقلی در جهت رعایت حقوق متهم در دادرسی کیفری اشاره گردیده است. تضمین اصل برائت، تضمین اصل سکوت، تضمین اصل تفهیم اتهام، تضمین اصل داشتن وکیل، تضمین اصل قانونی بودن دادرسی، جرایم و مجازات‌ها، تضمین اصل علنی و غیرعلنی بودن دادرسی، اصل مستند بودن حکم قاضی، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین و حقّ دادخواهی از جمله اصول بسیار مهمی می باشند که می‌تواند توسط دادستان در راستای تضمین امنیت قضایی به کار رود و به عنوان تکلیف و وظیفه برای دادستان پیش بینی شده است. از این جهت تضمین امنیت قضایی امری بسیار مهم در جهت تأمین دادرسی منصفانه است که در راستای این موضوع دادستان می بایست تلاش نماید تا در تحقق دادرسی عادلانه مؤثر واقع گردد.

در همین راستا پیشنهاد می گردد اصول مهمی از قبیل اصل برائت، اصل سکوت، اصل تفهیم اتهام، اصل داشتن وکیل، اصل قانونی بودن دادرسی، جرایم و مجازات‌ها، اصل غیرعلنی بودن دادرسی، اصل مستند بودن حکم قاضی، اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون، اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین، اصل علنی بودن محاکمات، حقّ دادخواهی که از اصول مهم حفظ و گسترش امنیت قضایی در حقوق ایران و فرانسه است مورد توجه و تقویت قرار گیرد. همچنین مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی باید از حقوق، قوانین و تحولات این حوزه آگاهی کافی داشته باشند. رهنمودهای گسترش امنیت قضایی منحصر به سیاست گذاری گروه‌های دولتی و قدرتمند نیست. یادگیری باید به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند بر زندگی خود تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر، انسان‌ها نمی‌توانند امنیت قضایی مورد نظر خود را از طریق سازمان‌ها و نهادها تامین کنند، بلکه بخشی از آن

را باید به فرهنگ و اخلاق بومی جامعه سپرد تا منجربه کاهش بار جرم، شود. برخورداری از امنیت قضایی خود به خود کاهش می‌یابد. توقع اجتماعی یا شرط قانونی که به طور نامتناسبی به حوزه شرط بندی پولی رفته است، منجر به حبس افراد ضعیف جامعه و رهایی مجرمین واقعی می شود که باید با اندیشه های سیاست جنایی و اصول مجازات مهار شود.

فهرست منابع

الف: کتب

۱- آشوری، محمد و دیگران(۱۳۹٦). افشاء مستندات اتهام؛ ابزاری برای تحکیم اصل برابری سلاح‌ها (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و رویه قضائی بین‌المللی) فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳٤(۲)، ۲۸- ٦۱.

۲- حبیب زاده، محمدجعفر(۱۳۹۱). اندیشه حقوقی(۲) (مجموعه مقالات حقوق کیفری عمومی)، جلد دوم، چاپ سوم تهران، انتشارات نگاه.

۳- زراعت، عباس(۱۳۹۲). اصول آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، ایران، انتشارات مجد.

٤- عباسی، محمود و جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹٦). گفتارهایی در حقوق شهروندی. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

۵- محمد بیکی خورتائی، علیرضا.(۱۳۹۲). دادستان و امنیت اجتماعی، جلد اول، چاپ اول، تهران، میزان.

٦- نوروزی فیروز، رحمت الله.(۱۳۹۰). حقوق جزای عمومی (مجازات)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، میزان.

ب: مقالات، پایان نامه، رساله و همایش

۷- امیری، سارا و روح الامینی، محمود،(۱۳۹٦).« بررسی رویکردهای عملی نقش دادستان در پیشگیری از جرم،

۸- آشوری، محمد و سپهری، روح الله.(۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۲. شماره ٤،

۹- پیوست، رحمان، شیداییان، مهدی، و صالحی، محمد.(۱٤۰۱)«چالش‌های دادستان در اجرای دادرسی‌عادلانه و راهکارهای آن». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. دوره ٤۰، شماره .11

۱۰- حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۹۰). «مبانی فقهی حق سکوت متهم در دعاویی جزایی)با همکاری آقای روح ا... اکرمی سراب» حقوق اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۱.

۱۱- خدابخشی، عبداله(۱۳۹۳). حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۲- خوبیاری ,حامد . (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی و انتقادی حق بر فراموش شدن در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی, ۷ .doi : 10.22034/law.2024.2028152.1335 ,(23), 127-152

۱۳- درویشوند، ابوالفضل؛ کدخدا مرادی، ابوالفضل؛ فتاحی زفرقندی، علی.(۱۴۰۰).«تضمینات حق دادخواهی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظرهای شورای نگهبان»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره، شماره ۲.

۱۴- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». پژوهش حقوق کیفری، دوره ٦، شماره ٤.

۱۵- ساقیان، محمدمهدی.(۱۳۹۳). «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق ایران و فرانسه». مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲۱، شماره ٤.

۱٦- سجادی، لیلا و افراسیابی، علی.(۱۳۹۳). «پاسخ‌های پلیس به خشونت خانگی علیه بانوان (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و کانادا)». فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۱۶، شماره دوم.

۱۷- شعبانی، عباس.(۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی حق سکوت متهم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و منطقه ای» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

۱۸- صالحی، محمدخلیل، و افراسیابی، علی. (۱۳۹۷). «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری ایران» فصلنامه پژوهش حقوق کیفری, دوره ۷، شماره ۲۵.

۱۹- صفائی ,سید حسین و درویش زاده, محمد . (۱۴۰۳). کاربرد تحلیل کیفی تماتیک (الگو محور) برای شناسایی رویه‌های قضایی غالب و قوی در نظام قضایی ایران .فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی, ۷(۲۲), ۷-۱۵ doi : 10.22034/law.2024.7142254 .

۲۰- عمرانی فر، عدنان و زندی، محمد رضا. (۱۳۹٦). «ممنوعیت یا مقبولیت «تخفیف مجازات «در جرایم مستوجب حد». فصلنامه قضاوت، دوره ۹۰، شماره ٤.

۲۱- عمرانی فر، عدنان و شیداییان، مهدی و میر خلیلی، سید محمود.(۱۳۹۹). «جایگاه شُعبه مقدماتی در دیوان بین الملل کیفری و اِمکان سنجی پیش بینی آن در حقوقِ ایران.» پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ٤، شماره ۲.

۲۲- عمرانی‌فر، عدنان، شیداییان، مهدی، عالی‌پور، حسن.(۱۴۰۲).«واکاویِ پروسهٔ «ایرادِ اتهام» در نظام‌ها و فرایند عدالتِ کیفری». قصلنامه تعالی حقوق. دوره ۹، شماره ٤.

۲۳- فتحی، محمدجواد، و هادی، دادیار.(۱۳۹۱).«جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه». مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ٤ شماره ۷.

۲۴- کوشکی، غلامحسین.(۱۳۸۹)« بررسی جایگاه سازمانی دادستان درآیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه». فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۵، شماره ۲.
۲۵- نیازپور، امیرحسن.(۱۳۹۲). «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی». مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۰، شماره ۲ .
۲۶- ویژه؛ محمدرضا و محمدی کشکولی.(۱۳۹۷). «اصول بنیادین ناظر بر تضمین اصل بی طرفی قضایی در نظام بین الملل و حقوق ایران»، دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۸۴، شماره۳.
۲۷- هاتفی اردکانی، سیدمحمد وابوترابی، محمدرضا و کهدناروئی، قدرت الله(1394).، »تحقق اصول تضمین در عدالت قضایی» دومین همایش عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.

References

1. Abbasi, Mahmoud and Jamshidi, Alireza. (2016). Speeches on citizenship rights. The first volume, the second edition, Tehran : Mizan publication. (in Persian)

2. Alfredsson, Gudmundur; Eide, Asbjorn (1999), The Universal Declaration of Human Rights : a common standard of achievement. Martinus Nijhoff Publishers.

3. Amiri, Sara and Ruhol Amini, Mahmoud, (2016) "Evaluation of the practical approaches of the prosecutor's role in crime prevention." (in Persian)

4. Ashouri, Mohammad and Sepehri, Ruhollah. (2012). "Comparative study of the stage under consideration in the criminal procedure of Iran and France", Criminal law doctrines, volume 2, number 4, (in Persian)

5. Ashuri, Muhammad and others (2016). disclosure of accusation documents; A tool to consolidate the principle of equality of arms (a comparative study of Iranian, French and international judicial practice) Journal of Private and Criminal Law Research, 34(2), 61-28. (in Persian)

6. Aubusson de Cavarlay, (2006). "The Prosecution Service Function within the French Criminal Justice System." In Coping with Overloaded Criminal Justice Systems The Rise of Prosecutorial Power Across Europe, edited by JÖrg-Martin Jehle and Marianne Wade. Berlin, Heidelberg : Springer.

7. Barkow, Rachel E. (2010). "Organizational Guidelines for the Prosecutor's " Cardozo Law Review 31 (6): 2089-2118.

8. Buergenthal, Thomas.(2001)."The U.N. Human Rights Committee." Max Planck U.N. Year Book 5 :341-399.

9. Calvo-Goller, K., N (2006), the Trial Proceedings of the International Criminal Court, ICTY and ICTR Precedents, Martinus Nijhoff.

10. Danilet,Cristi (2000), Independence and Impartiality of Justice, International Standards,at :http://medel.bugiweb.com/usr/Independence%20 and%20Impartiality %20 of%20 Justice -1. pdf, last visited 14 Nov. 2014 .

11. Dervishund, Abolfazl; Kodkhoda Moradi, Abolfazl; Fatahi Zafarqandi, Ali. (1400). "Guarantees of the right to sue in the system of the Islamic Republic of Iran based on the opinions of the Guardian Council", Knowledge Quarterly of Public Law, period, number 2. (in Persian)

12. Fathi, Mohammad Javad, and Hadi, Dadyar. (2012). "The position of the prosecutor in the modern criminal policy and the requirements of a fair trial". Contemporary Comparative Law Studies, Volume 4, Number 7. (in Persian)

13. Fricero, Natalie (2009) L'essentiel de la procedure civile, 6 e é dition, Lextenso é ditions, Paris. (in France).

14. Friman, Hakan (2001), INVESTIGATION AND PROSECUTION; at: The international criminal court (Elements of crimes and rules of procedure and evidence , Edited by : Roy s. lee , Transnational publisher , inc.

15. Gerry, F. (2017) Deferred Sentences - Used Again but not Used Enough. Criminal Law and Justice Weekly 21.

16. Guinchard, S., et Buisson, J. (2012)procedure penale. 8ed. Paris

17. Habibzadeh, Mohammad Jaafar (2011). Legal law (2) (Collection of articles on general criminal law), second volume, third edition, Tehran, Negah Publications. (in Persian)

18. Haji Dehabadi, Mohammad Ali. (1390). "Jurisprudential foundations of the defendant's right to remain silent in criminal cases (with the cooperation of Mr. Rooh A... Akrami Sarab) Islamic Law, Volume 25, Number 1. (in Persian)

19. Hatfi Ardakani, Seyyed Mohammad Wabotrabi, Mohammad Reza and Kahadnaroi, Qadratullah. (2014), "Realization of the Principles of Guarantee in Judicial Justice" Second Conference on Justice, Ethics, Jurisprudence and Law. (in Persian)

20. Khubyari, H. (2024). A Review of Principles Governing the budgeting system in Iran and France. Journal of Research and Development in Comparative Law, 7(23), 127-152. doi: 10.22034/law.2024.2028152.1335

21. Khodabakhshi, Abdullah (2013). Arbitration rights and claims related to it in judicial procedure, Tehran: Publishing Company. (in Persian)

22. Koshki, Gholamhossein. (2009) "Reviewing the organizational position of the prosecutor in the criminal procedure of Iran and France". Legal Research Quarterly, Volume 5, Number 2. (in Persian)

23. Lazerges . ch. (2000). Le Renforcement de la Presomption d'Innocence et les Droits des Victimes, A.P.C.n 22.

24. Leffler, Melryn p (1984). The American conception of National security and the Beginnings of cold war, 1945-48, American Historical Review 89(2). Pp. 246-81.

25. Milburn, Philip, Katia Kostulski, and Denis 2010. Les Procureurs, Entre Vocation Judiciaire et Fonctions Politiques. Droit et Justice. Paris: PUF.

26. Mohammad Biki Khortai, Alireza. (2012). Public prosecutor and social security, first volume, first edition, Tehran, Mizan. (in Persian)

27. Niazpour, Amirhasan. (2012). "The right of the accused to have a lawyer in the criminal process; A manifestation of citizenship rights". Legal Journal of Justice, Volume 50, Number 2. (in Persian)

28. Nowrozi Firouz, Rahmatullah. (2010). General criminal law (penalties), first volume, second edition, Tehran, Mizan. (in Persian)

29. Omranifar, Adnan and Shidaiyan, Mehdi and Mir Khalili, Seyyed Mahmoud. (2019). "The position of the preliminary branch in the International Criminal Court and the possibility of predicting it in Iranian law." Research Journal of Comparative Law, Volume 4, Number 2. (in Persian)

30. Omranifar, Adnan and Zandi, Mohammad Reza. (2016). "Prohibition or acceptability of "reduction of punishment" in crimes subject to limit". Judgment Quarterly, Volume 90, Number 4. (in Persian)

31. Omranifar, Adnan, Shidaiyan, Mehdi, Aalipour, Hassan. (1402). Certificate of excellence in law. Volume 9, Number 4. (in Persian)

32. Pahid, Rahman, Shidaiyan, Mehdi, and Salehi, Mohammad. (1401) "Prosecutor's challenges in conducting fair proceedings and their solutions". Criminal Law Research Quarterly. Volume 40, Number 11. (in Persian)

33. Pradel , J. (2001). Les personnes suspects ou poursuivies aores la loi du 15 juin 2000, Dalloz, N. 14. (in France)

34. Pradel, J. (1995). La protection de la pesonne en France depuis en France depuis les reformes de procedure penale en 1993, in. la Revue juridiaue themis, n1. (in France)

35. Renucci, Jean-François. "Le Procureur de La Ré publique Est-Il Un 'Magistrat' Au Sens Europé en Du Terme?" In Liberté s, Justice, Tolé rance! : Mé langes En Hommage Au Doyen Gé rard Cohen-Jonathan Vol. II., 1345. Brussels : Bruylan(in France)

36. Robert, Marc. 2011. "L'avenir Du Ministère Public Français." AJ Pénal, no. 3 (March): 115-18.

37. safaey, S. H. and Darvishzadeh, M. (2024). Using Thematic Qualitative Analysis to Identify Predominant and Strong Judicial Policies in the Iranian Judicial System. Journal of Research and Development in Comparative Law, 7(22), 7-15. doi: 10.22034/law.2024.714254. (in Persian)